

۵۰۴



روایتی از همدلی خادمان مسجد حضرت زهرا (س)
در محله شهید بسکابادی با زائران جنگ دیده

وقتی خانه خدا کاشانه می شود

عکس: نرجس شاکری / شهرآرا

بچه هیئتی مهرآباد در حاشیه برگزاری مراسمی
در محله، چشم از جهان فرو بست
ناتمام ماندن آخرین مأموریت

۶



کارنامه یک ساله شهرآرامحله
در پیگیری مطالبات اهالی منطقه ۵
از شما خواستن، از ما پیگیری

۲

«باشگاه ملکه» در محله پورسینا
فضایی برای آموزش و هم نشینی مادران ایجاد کرده است
مهارت من در ارتباط با فرزندم

۷

کارنامه یک ساله شهرآرامحله در پیگیری مطالبات اهالی منطقه ۵

از شما خواستن، از ما پیگیری



بازخورد

عنائی! شهرآرامحله با بیش از ۱۰ سال همراهی با مردم به عنوان ضمیمه ای محلی در روزنامه شهرآرا، وظیفه خود می داند که همواره، پیگیر مطالبات مردمی منطقه باشد؛ به واسطه اطمینان مردم بوده که شهرآرامحله به حلقه واسطی برای پیگیری مطالبات مردم از مسئولان تبدیل شده است. شهرآرامحله همواره با پیگیری های مجدانه سعی دارد گره از زندگی شهروندان باز کند و حس رضایت عمومی را ارتقا دهد. در همین راستا در سال گذشته، با پیگیری شهرآرامحله منطقه ۵ و ۶ تعداد ۹۶ درخواست مردمی به نتیجه رسید.



با پیگیری مکرر و همکاری شهرداری، آموزش و پرورش و دیگر نهادها، مهرماه سال گذشته سرانجام دبستان جعفر برزگر در محله ثامن افتتاح شد. شهرآرامحله در دو گزارش اختصاصی در تاریخ های ۲۵ دی ۱۴۰۲ و ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ پیگیر وضعیت ساخت این مدرسه بود.

چاپ ۱۴ مهر



درخواست تجهیز و بازپیرایی بوستان رستگارمقدم در محله سجادیه بارها سوژه گزارش شهرآرامحله بود که سرانجام بوستان بازپیرایی شده در خرداد سال گذشته رسماً افتتاح شد.

چاپ ۵ خرداد



تکمیل فاز نخست احداث بولوار کرامت در محله مهرآباد که چندین بار توسط شهرآرامحله و در گزارش های مکرر پیگیری شده بود.

چاپ ۸ اردیبهشت



بهسازی و ترمیم جوی و جدول خیابان شهید یعقوبی ۲۸ به دنبال گزارش شهرآرامحله در تاریخ ۲۱ مهر انجام شد.

چاپ ۲۶ آبان



تخریب ملک خیابان عبادت که مانع تعریض خیابان شده بود. این ملک از معبر کم عرض عبادت در سال های دور به جا مانده بود. مابقی املاک اطراف آن عقب نشینی کرده بودند و تنها همین مغازه قدیمی وسط سواره رو باعث خطر بود که در نهایت با پیگیری شهرآرامحله و همت مسئولان شهرداری و دستگاه قضایی تخریب شد.

چاپ ۱۹ خرداد



مهار کردن نهال های نحیف حاشیه ورودی مهرآباد که در اثر وزش باد و تخریب انسانی در حال شکستن بودند.

چاپ ۲۲ اردیبهشت



آسفالت مسیر دبستان جعفر برزگر از سمت خیابان شهید آرمون، به دنبال انتشار گزارش شهرآرامحله در تاریخ ۱۴ مهر و با پیگیری و همت شهرداری منطقه ۵ انجام شد.

چاپ ۱۰ آذر



با شروع فصل گرما، تعدادی از دریاچه ها و کانال های فاضلاب محلات بوی مشمئزکننده ای ساطع می کنند و نیاز به شست و شو دارند. با پیگیری شهرآرامحله، کانال های فاضلاب خیابان شهید حسینی که اهالی محله درخواست تمیز کردن آن را داشتند، از سوی تیم خدمات شهری منطقه ۵ پاک سازی شد.

چاپ ۲۷ مرداد



رفع آب گرفتگی در کوچه شهدای فاطمیون ۱۸ با احداث چاه جذبی. در گزارشی که از این مکان گرفتیم، پیش از حفر چاه، این معبر با کوچه چک ترین بارندگی، دچار آب گرفتگی می شد.

چاپ ۲۹ اردیبهشت

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● نمایش مقاومت در شهرک شهید بهشتی

اهالی محله کوی ۲۲ بهمن در این شب ها از ساکنان پای کار منطقه هستند. آن ها هر شب بعد از خواندن نماز مغرب و عشاء رویه روی مسجد بعثت در شهرک شهید بهشتی دور هم جمع می شوند. با خواندن دعای فرج امام زمان (عج) مراسم را شروع می کنند و بعد به رجز خوانی و دادن شعار علیه دشمنان می پردازند. برخی از اهالی هم به صورت خود جوش با ساندویچ سمبوسه و پیراشکی از تجمع کنندگان پذیرایی می کنند. برخی نیز با طراحی پرچم ایران روی صورت ها و دست ها، فضای تجمعات را پر شورتر می کنند. اهالی اغلب تا چهارراه رستمی و چهارراه مصلی راهپیمایی می کنند و در طول مسیر شعار می دهند.



● شهرک شهید رجایی، پاتوق مردم انقلابی

نیکو عقیده در این شب ها، محدوده شهرک شهید رجایی مانند دیگر خیابان ها و معابر اصلی شهر، از حضور مردم خالی نمانده است. خیابان حر در یک ماه اخیر به یکی از پاتوق های اصلی اجتماع اهالی انقلابی تبدیل شده است. اهالی هر شب از محله های دور و نزدیک، خود را به این خیابان می رسانند، رویه روی مسجد جامع شهرک تجمع می کنند و پس از آن در طول خیابان، پرچم ایران به دست، راهپیمایی می کنند. علاوه بر حضور پر شور مردم و سر دادن شعارهای مردمی علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی و اعلام حمایت از مدافعان وطن، برخی شب ها سرودهای حماسی و نمایش های ملی هم در این محدوده اجرا می شود.

● کاشت درخت به یاد شهیدان

نوجوانان کوی عمار یاسر در روز سیزدهم فروردین، در مراسم کاشت درخت شرکت کردند تا به یاد هر شهید جنگ تحمیلی رمضان، درختی بکارند و یاد و خاطره آن ها را زنده کنند. در این روز بهاری، بچه ها همراه با دغدغه مندان مسجد عمار یاسر به حومه شهر رفتند و بنا به دعوت رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه روز طبیعت دست به این اقدام زدند تا کاشت درخت نمادی باشد برای آبادانی، امید و پاسخ ملی به دشمنان.



● اهالی پای کار چهنو

اجتماعات مردمی در محله چهنو حال و هوای دیگری دارد. اهالی این محله هر شب ساعت ۸، نیش چمن ۵۹ جمع می شوند. اهالی دغدغه مند و پای کار به صورت خود جوش ساعتی قبل در صحنه حاضر می شوند، صحنه را آماده می کنند و در طول خیابان صندلی می چینند. با شروع مراسم، حاضران از حضور قاری قرآن در ابتدای مراسم و مداح و سخنران هم بهره مند می شوند. برنامه با سر دادن شعار علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی و حمایت از نیروهای مدافع کشور ادامه پیدا می کند.



اقدامات پیش از آب گرفتگی

با شروع فصل بهار و ایام نوروز و در پی بارندگی های اخیر، عملیات شست و شوی مکانیزه ولای روبی کانال های آب های سطحی بیش از ۱۶۰۰ متر ولای روبی سنتی بیش از ۱۷۰۰ متر انجام شد. این اقدام با هدف افزایش ظرفیت عبور آب، پیشگیری از تجمع آب در معابر و ارتقای ایمنی شهروندان انجام گرفت.

آسفالت نو برای کوچه شهید بابایی ۱۳

عملیات بهسازی و مرمت آسفالت در معابر شهید بابایی ۱۳ واقع در خیابان شهید رستمی ۲ با هدف ارتقای کیفیت تردد و افزایش ایمنی شهروندان اجرا شد. انجام روکش آسفالت ضمن رفع نقاط ضعف و فرسودگی معابر به زیبایی بصری منطقه نیز کمک شایانی خواهد کرد.

تروتمیز شدن مخازن پسماند منطقه

با فرارسیدن فصل بهار در راستای ارتقای بهداشت محیط شهری و رضایت شهروندان و شروع سال جدید، عملیات شست و شوی ۳۳ مخزن ۱۱۰۰ لیتری پسماند در این منطقه اجرا شد. این عملیات با بهره گیری از تجهیزات مکانیزه و روش های سنتی به صورت گسترده در محلات مختلف منطقه صورت گرفت تا از تجمع آلودگی و بوی نامطبوع آن جلوگیری شود.



شهر خبر



ویژه برنامه روز طبیعت در بوستان کرامت با استقبال شهروندان روبه رشد

سیزده به در فرهنگی

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶ در روز طبیعت، ویژه برنامه ای در بوستان کرامت منطقه ۶ برگزار شد و فضای بهاری شهر را با شور و طراوتی خاص همراه کرد. در این برنامه که با استقبال گسترده شهروندان همراه بود، برنامه های فرهنگی و تفریحی ویژه خانواده ها به اجرا درآمد. علاوه بر این نماز جماعت نیز در نمازخانه ساختمان مدیریت بوستان برگزار شد. توزیع نایلون های زیاده ویژه روز طبیعت بین خانواده های حاضر در بوستان نصرت، از دیگر بخش های برنامه بود.



روایتی از همدلی خادمان مسجد حضرت زهرا (س) در محله شهید بسکابادی با زائران جنگ دیده

وقتی خانه خدا، کاشانه می شود



روایت سفری متفاوت

را برایشان متفاوت کرده است. او توضیح می دهد که برای اولین بار است که در این مسجد اسکان دارند؛ «ما اینجا افرادی را دیدیم که از شهرهای دیگر آمده اند، خانه شان خراب شده و دچار ترس و وحشت شده اند. ما هر شب پای در دلد این هم وطنانمان می نشینیم و غصه می خوریم و اشک می ریزیم. اما این درد حالا ما را به هم نزدیک تر کرده است. ما از هم و طنان جنگ دیده مان درس های بزرگی گرفته ایم. اینکه باید امید داشته باشیم و در این شرایط سرپا بمانیم.»

او درباره برنامه متفاوت سفرشان هم می گوید: هر سال که به مشهد می آیم، برنامه مان، زیارت و گشت و گذار در بازارهای اطراف حرم بود. این بار اما برنامه هر شبمان پس از زیارت، حضور در تجمعات محله هم هست. تجمع اهالی این محله از دم در این مسجد شروع می شود. بعد از نماز به جمعیت می پیوندیم و تا چهارراه می رویم و شعار می دهیم. دیدن این جمعیت باشکوه حالا باعث شده است بیشتر از قبل با هم و طنانم احساس نزدیکی کنم، هم و طنانی که از هر جای ایران باشند، پای کشورشان می ایستند.

پیش از ورود به مسجد، فضایی سرد و چهره هایی غم زده را در ذهن تصور می کنم. آدم های نگران که دور از شهر و کاشانه خود، سعی در گذران زندگی دارند. اما دقایقی بعد از رسیدن به مسجد همه تصوراتم تغییر می کند. صدای خنده بچه ها اولین صدایی است که به گوش می رسد. در مسجد از این سوبه آن سومی دوند و فارغ از هر غم و دغدغه ای مشغول بازی هستند. بزرگ ترها که تازه چرت صبحگاهی شان پریده مشغول جمع کردن پتو و تشک ها شده اند، هم زمان به هم صبح بخیر می گویند و خوش و بش می کنند؛ انگار مدت ها است که یکدیگر را می شناسند. عده دیگری هم صبح زود برای زیارت راهی حرم شده اند و حالا اینجا نیستند. کبری خسروی که سعی در آرام کردن فرزندان قدونیم قدش دارد، هم زمان چادر گل دارش را سر می کند تا راهی حرم شود. پیش از رفتنش با او گفت و گو می کنم.

کبری خسروی و احمد قربان زاده، سه روز پیش از بیرجند با فرزندان نشان به مشهد آمده اند. آن ها از معدود زائران این مسجد هستند که بر اثر جنگ کوچ نکرده و برای زیارت به مشهد آمده اند. اما اینجا هم و طنان جنگ دیده و ملاقات کرده اند و همین دیدار ها، این سفر

سحر نیکو عقیده | حالا بیش از یک ماه از آغاز جنگ تحمیلی آمریکایی صهیونی می گذرد و مردم غیور ایران، روزهایی پر از مقاومت و ایستادگی را تجربه می کنند. جنایت های آمریکا و اسرائیل در این مدت سبب شده است مردم شهرهای مختلف، به ویژه شهرهای غربی و مرکزی، گرفتار آسیب جانی و مالی شوند. خیلی از آن ها حالا خانه هایشان را از دست داده و مجبور به کوچ شده اند. در این شرایط، مشهدی ها دست روی دست نگذاشته اند و در جای جای شهر، چه در مساجد و چه در خانه ها، با صمیمیت و همدلی، هم و طنان نشان را اسکان می دهند تا آرامش و امید را به دل ها برگردانند.

مردم مهربان و دلسوز محلات پایین پای حضرت (ع) هم مهمانان جنگ دیده کشور را با آغوش باز پذیرفته اند. مسجد حضرت زهرا (س) در میانه خیابان شهید بسکابادی، حالا به یکی از همین پناهگاه های امن برای هم و طنان جنگ زده و زائر تبدیل شده است. ساکنان خیابان شهید بسکابادی با اقداماتشان نشان می دهند که در این شهر، هنوز افرادی هستند که بی منت، مرمهی روی زخم مردم می گذارند و کنار هم در دل هم و طنان جنگ دیده، امید را زنده نگه می دارند. نور چراغ این مسجد هر شب با مهربانی همسایه های دغدغه مند و وطن دوستش روشن می ماند؛ همسایه هایی که این بار با انگیزه ای دوچندان میزبان زائران شهرشان شده اند.

دلتنگی از همین حالا

زهرا خانم و پنج کودک قدونیم قدش دیگر زائران این مسجد هستند. او همراه با همسر طلبه اش از قم راهی مشهد شده است و حالا چهار شب از اسکانشان در مسجد می گذرد. او توضیح می دهد که در قم، در منطقه ای حساس سکونت داشتند و خانه های اطراف مورد اصابت موشک قرار گرفته است؛ «هر شب صدای انفجار موشک و پدافند می شنیدیم و بچه ها دچار وحشت و استرس شده بودند و شب ها به سختی خوابشان می برد. این شد که تصمیم گرفتیم راهی مشهد شویم تا هم از خطر دور باشیم و هم زیارت کنیم، در جوار امام رضا (ع) باشیم و کمی آرامش بگیریم.» زهرامظفری تعریف می کند که مقصد مشخصی نداشته اند، کانال اسکان زائران را پیام رسان اپتاپید کرده و با شماره ای تماس گرفته اند؛ «همسایه های مهربان این محله با کمال احترام و اشتیاق دعوتمان کردند و اینجا شبیه یک همسایه قدیمی و آشنا با ما برخورد کردند. ما هر شب این همسایه ها را سر نماز جماعت در مسجد می بینیم، خوش و بش می کنیم و احوال پرس هم هستیم. بعضی ها حتی از ماد عوت کردند که به خانه آن ها برویم و چند شب را آنجا بمانیم. احتمالاً فقط چند روز دیگر اینجا خواهیم بود و من از حالا دل برای این همسایه ها تنگ شده است.»

می زنند و گرم و صمیمی حال و احوالت را می پرسند. روزهای اول من شب ها از ترس بمباران بیرون مسجد داخل خودرو می خوابیدم. اما کم کم با حرف زدن با اهالی، احساس امنیت بیشتری کردم و حالا داخل مسجد می خوابم.»

✦ خادمان پای کار

آن سوی ماجرا خادمان این محله و مسجد هستند که حالا مشتاقانه از مهمان هایشان پذیرایی می کنند. یکی از اهالی پای کار علیرضا بسکابادی، ساکن قدیمی و عضو هیئت امنای مسجد است. او داستان مهمان پذیر شدن این مسجد را این طور تعریف می کند: سال گذشته این روزها مشهد غلغله شده بود و عده زیادی از زوار به ناچار در خیابان و پارک چادر می زدند. ما این مسافرها را گوشه و کنار شهر می دیدیم و خجالت می کشیدیم. دلمان می خواهد در شهرمان به بهترین نحو از مهمانان پذیرایی کنیم. تصمیم گرفتیم به نوبه خودمان قدمی برداریم. پنجاه نفر را در مسجد اسکان دادیم و تصمیم گرفتیم این برنامه را هر سال اجرا کنیم.



این هر سال به مشهد سفر می کردیم و در هتل یا مهمان سراساکن می شدیم. این اولین بار است که در مسجد و حسینیه مانده ایم. او توضیح می دهد که این زندگی اشتراکی سختی های خودش را هم دارد اما در مجموع برایش دلپذیر بوده است: «اینجا استفاده از حمام و سرویس بهداشتی سخت است. سروصدا هم ناخواسته بیشتر است و خوابت به هم می ریزد اما به نظر من به سختی اش می ارزد. من اینجا کلی دوست جدید پیدا کرده ام. ما هر روز با هم نماز جماعت می خوانیم، با هم در آشپزخانه مسجد، ناهار و شام درست می کنیم و... حالا شبیه یک خانواده شده ایم.»

✦ به امام رضا^(ع) پناه آوردم

مهمانان این مسجد هر کدام داستان خودشان را دارند: نگرانی ها و امیدهای بسیاری که این مدت تجربه کرده اند. داستان محسن داوودی شاید کمی متفاوت باشد: جوان بیست و نه ساله ای که تنها از تهران به مشهد سفر کرده است. خانواده اش اهل تربت حیدریه هستند اما او تصمیم گرفته است این روزها را در مشهد و در جوار حرم امام رضا^(ع) بگذراند. بعد از بمباران های اخیر در تهران، بخشی از محل کارش آسیب دیده است: «من در محل کارم بودم که بر اثر انفجار، نیمی از دیوار ساختمان فرو ریخت. روزهای بعد از آن اتفاق برای من روزهای ترسناکی بود. هر شب آن صدا در گوشم بود و هر شب کابوس می دیدم. قیلا هر وقت دل نگرانی واسترس داشتم، به مشهد می آمدم. این بار هم تصمیم گرفتم که مثل همیشه به امام رضا^(ع) پناه بیاوریم.»

محسن حالا روزهایش را در جوار حرم امام رضا^(ع) می گذراند؛ در فضایی که برایش آرامش بخش است. می گوید: با امام مهربانی ها حرف می زنم و حالم بهتر می شود. اینجا، زندگی در پایین پای حضرت حس و حال دیگری دارد.

او از برخورد خوب خادمان محله و مسجد هم می گوید: اینکه آن ها تأثیر زیادی در کاهش اضطراب هایش داشتند: «اینجا آدم از در که وارد می شود، حس می کند در خانه خودش است. همه به تو لبخند



✦ مثل یک خانواده

رسول مرادی و مهلا حسینی، از دیگر مهمانان مسجد هستند که حالا دو هفته از اسکانشان در این مسجد می گذرد. زوج جوانی که از سال ها پیش تصمیم داشتند که از تهران به مشهد کوچ کنند و در پایین پای حضرت خانه بخرند اما شروع جنگ، برنامه هایشان را مختل کرده است. آقارسلول توضیح می دهد: اینجا خانه خریدیم و قرار بود به تهران برگردیم و باروبند یلمان را از تهران بار بزنیم و برگردیم. اما جنگ شروع شد و نتوانستیم برگردیم. یکی از همسایه ها پیشنهاد کرد که در مسجد بمانیم تا آب ها از آسیاب بیفتد. مهلا حسینی این تجربه را تجربه ای متفاوت می داند: ما پیش از



مسافرانی از سراسر ایران

امسال اما تفاوت هایی با سال گذشته دارد. باتوجه به شرایط، تعداد زائران کمتر شده است اما اهالی همچنان پای کارند. علیرضا می گوید: افراد از شهرهای مختلف مثل تهران، کرج، اصفهان، شیراز و زاهدان تماس می گیرند و از چند روز قبل، آمدنشان را اطلاع می دهند. مدت اسکان هم معمولاً دو تا چند روز و حتی چند هفته است و میانگین حداقل شبی چهار پنجاه نفر زائر را داریم. او توضیح می دهد که خیلی از اهالی غیر مستقیم برای خدمت به زائران با آن ها ارتباط دارند، مثل خانم هایی که برای نظافت مسجد به اینجا می آیند، خیران و داوطلبانی که گاهی در مسجد از زائران پذیرایی می کنند و... اما به طور کلی و به طور مستمر فقط پنج نفر مداوم پای کارند. زائران هم اغلب از طریق کانال اسکان زائر در اپیتا این مسجد رایپادی کنند و تماس می گیرند.

سنگری به نام مسجد

علیرضا حقدادی، دیگر ساکن محله که بیش از هفتاد سال سن دارد و در همین خیابان مغازه دارد، حالا کار و زندگی اش را رها کرده و شبانه روز در مسجد مشغول خدمت به زائران است. به گفته اهالی، او خیلی وقت ها برای پذیرایی از زائران، اقلام و خوراکی از مغازه اش می آورد و در مسجد از زائران پذیرایی می کند. از او که دلیل این همه انگیزه اش برای فعالیت بی منت را می پرسیم، پاسخ می دهد: مسجد فقط نماز خانه نیست؛ مسجد سنگر است و باتوجه به شرایط باید فریادرس مردم باشد. مبارزه فقط این نیست که رو به روی دشمن اسلحه به دست بگیری؛ مبارزه و مقاومت گاهی دستگیری از هم وطن در شرایط سخت است و گاهی استفاده از ظرفیت هایی مثل مساجد برای پناه دادن مردم.

زائر خدمتگزار

میان خادمان این مسجد مجتبی صادقی، داستان متفاوتی دارد. به قول دیگر اهالی، یک جوهرایی خودش زائر محسوب می شود: زائری که اینجا بیشتر از همه خدمتگزار زائران دیگر است. متولد سال ۱۳۶۱ است. در بازار پارچه تهران فروشنده بوده، دوماه پیش، کار و زندگی اش را رها کرده و به مشهد آمده و اینجا در بخش چای خانه حرم مشغول به خدمت شده است: «در این خیابان، خانه ای اجاره کردم و در همین مدت کوتاه با اهالی اخت شدم.»

با شروع جنگ او حالا تمام وقت خالی اش را در مسجد می گذراند تا خدمتگزار زائران باشد. اهالی تعریف می کنند که او حالا خیلی از مسئولیت ها را داوطلبانه به دوش می کشد، مثل هماهنگی با زائران، ثبت ورودشان، گاهی هماهنگی وسیله ایاب و ذهاب برای رفت و آمد زائر ها به حرم و....

بچه هیئت مهرآباد در حاشیه برگزاری مراسمی در محله، چشم از جهان فرو بست

ناتمام ماندن آخرین مأموریت



راه تجربه



کنار می نشست و حرف می زدیم. دائم سربه سرم می گذاشت و شوخی می کرد. این قدر این کار را ادامه می داد که به اومی گفتم: توسی سال سن داری؛ یکم سنگین باش. آن قدر دست و پاهایم رامی بوسید که خسته می شدم و هلهش می دادم و می گفتم برو. همیشه آخر سر می گفت: باید به نیت چهارده معصوم^(ع) من را بوسی تا بروم.

کاربلدی علی در حوزه صوت و صدا

فاطمه باقری، خواهر علی، ده سال از مرحوم بزرگ تر است. اومی گوید: یادم است بچه که بودم این قدر گریه و اصرار کردم و به پدر و مادرم می گفتم نمی خواهم تک فرزند باشم

تا اینکه علی به دنیا آمد. اختلاف هم داشتیم مثل همه خواهر و برادرها و حتی سربه سرم می گذاشتیم؛ اما او را خیلی دوست داشتم. علی بیشتر از هر کس عاشق فرزند نام بود. من و همسر من پنج فرزند داریم. هر زمان که مشهد بودیم، وقت غذا خوردن حتما باید یکی از بچه هایم را روی پایش می گذاشت و اول به آن ها غذای می داد. دائم برایشان هدیه می گرفت و وقت می گذاشت. فاطمه از آرزوی همیشگی برادرش می گوید: علی همیشه دوست داشت در راه ائمه اطهار^(ع) و امام حسین^(ع) به شهادت برسد. من یکی اصلا فکرش را هم نمی کردم سرانجام در مجلسی مذهبی و در زمان جنگ با دشمن صهیونی و آمریکایی از دنیا برود.

سید محمد عطایی بیش از یک ماه پیش، وقتی دشمن صهیونی آمریکایی به خاک کشورمان تجاوز کرد، تصویرش را هم نمی کرد که مردم این گونه یکدل بسیج شوند و رویه رویشان بایستند. البته که در این مسیر شهید و جان باخته هم دادیم؛ چه آن هایی که بالباس رزم به شهادت رسیدند و چه آن هایی که پشت میز مدرسه، هدف موشک دشمن کودک کش قرار گرفتند. افرادی هم هستند که در تدارک رویارویی نظامی، فرهنگی و اجتماعی با دشمن دچار حادثه شدند. مثل مرحوم علی باقری، جوان محله مهرآباد که جمعه شب، هفتم فروردین، در تدارک مراسمی فرهنگی در مهدیه مهرآباد دچار برق گرفتگی شد و چشم از جهان فرو بست.



همدم و هم صحبت مادر

در محله وفامیل و جمع آشنایان، او را به یک خصوصیت می شناسند، «شوخ طبعی». علی متولد ۱۳۷۵ بود. او درست زمانی که ۲۱ سال داشت، پدرش را به دلیل سکت قلبی از دست داد و او ماند و مادرش. تنها خواهرش که ۱۰ سال از او بزرگ تر است، نیز پیش تر از این ها از دواج کرده و ساکن قم است. شاید به دلیل همین کنار مادر بودن، رابطه مادر و پسری صمیمی تر شده بود. معصومه ترنگچیان مادر مرحوم علی باقری می گوید: بعد از اینکه همسر من فوت کرد، امیدم بعد از خدایه پسر بود؛ ولی بیشتر از اینکه بخواد به بار زندگی را به دوش بکشد، برای من همدم بود.

مادرش او را شوخ طبع معرفی می کند و می گوید: روزی چند ساعت

روایت حادثه از زبان مادر

دلشوره ای که حقیقت داشت

ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بود که برای پیگیری سیستم صوت مراسم مهدیه رفت. گفتم: ناهار بخور. گفت: کمی کارها را جلو بیندازم، دوباره برمی گردم. حدود ساعت ۶:۴۰ عصر بود که آمد و کلیدهای مغازه را برد تا وسایلی را که نیاز داشت، از آنجا بیاورد. بعد از رفتن علی بود که داییش به همراه خانواده مهمان خانه ما شدند. ساعت ۸ علی زنگ زد که «مجلس شروع شده است و بیایید»، که گفتم داییش و خانواده اش مهمان خانه ما هستند و نمی توانم بیایم.

هیچ وقت به علی این طور سفارش نمی کردم: اما آن روز به دلم بد افتاده بود و هی می گفتم باران می آید، مواظب باش.

چند ساعت بعد مهمان ها شام را خورده بودند و می خواستند بروند که دوست علی زنگ زد و شماره داییش را خواست. رابطه علی و برادرش خیلی صمیمی بود. شماره را دادم و کمی شک کردم. همان موقع دلم ریخت. کمی بعد برادرش به همراه خانواده خدا حافظی کرد و رفت. دم در دیدم کوچه شلوغ است و همسایه ها بیرون ایستاده اند ولی باز هم متوجه نشدم. برگشتم تا به بقیه مهمان ها رسیدگی کنم. کمی بعد برادرش برگشت. همسایه ها یکی یکی به داخل خانه آمدند و نشستند، ولی هنوز کسی به من نمی گفت چه اتفاقی افتاده است. در نهایت گفتمند او را برق گرفته و به بیمارستان برده اند. من همان موقع با خودم گفتم علی از دست رفته؛ باران شدید آمده و اگر او را برق گرفته، مطمئنم زنده نمانده است.



خبر بگیر تا به چهلم برسی

سید حسین موسوی، رفیق صمیمی مرحوم علی باقری، تعریف می کند: دوستی ما از نوجوانی و یک برنامه در هیئت ابوالفضل آغاز شد. یادم است که آمد داخل مجلس و ماسی داشتیم سیستم صوت را راه بیندازیم. گفت: من بلام اگر اجازه دهید. کار را به او سپردیم و دیدیم خیلی حرفه ای و متخصص است. از آن به بعد، علی شد یکی از افراد اصلی هیئت و دوست صمیمی ما. او هم مانند دیگر دوستان و خانواده از شوخ طبعی علی یاد می کند و می گوید: اصلا نمی گذاشت که دلخوری بین دوستان باقی بماند. امکان نداشت کسی از دوستان از او دلگیر بشود یا دلگیر بماند. صدای او را به یادگار در گوشی ام دارم که آن را پخش کردم و با مادرم به یادش گریه کردیم. آخرین صوت او برای من این است: «حقاقل هر ۳۹ روز یک بار از دوستت یک خبر بگیر تا به مراسم چهلم اش برسی».



برادر نداشته اش بودم

علی باشی، که دوست صمیمی و همکار مرحوم علی باقری بوده است، می گوید: من برادر نداشته اش بودم. سال های سال است که از کودکی تا به امروز با هم دوست هستیم و چند سالی هم هست که در کار صوت و صدا شریکیم.

علی آقا شب حادثه نزدیک ترین فرد و شاهد کل واقعه بوده است. او تعریف می کند: ساعت ۱۰ صبح بود که علی با من تماس گرفت و گفت که چنین برنامه ای قرار است در مهدیه برگزار شود. حدود ساعت ۵ عصر به مغازه آمد و لوازم را بار خود راوش کردیم. وقتی رسیدیم، لوازم را خالی کردیم و مابقی کارهایی را که مانده بود، انجام دادیم. تا اینکه ساعت ۷ شد. فقط کابل کشی نهایی را انجام نداده بودیم؛ چون باران شدید بود. نیم ساعتی داخل ماشین نشستیم ولی شدت بارش کم نشد. بچه های مهدیه آمدند و گفتند مجلس شروع شده است و سیستم صوتی را وصل کنید؛ گفتم نمی شود. رفتند و آمدند و گفتند سیستم را پشت

اهالی محلات گلشهر پس از گذشت یک ماه از جنگ تحمیلی، هرشب در خیابان ها حضور پرشوری دارند

رزم شبانه در کف محله



عیدگاه

بی پایان شود کابوس اسرائیل، «اوج احساسات مردم نیز در این بیت خودشان را نشان می دهد: طلاب، آوینی، سخاوت، کل این گلشهر/ هر کوچه و میلان شود کابوس اسرائیل».

دیگر مکان پرشور تجمع در محدوده گلشهر، خیابان شهید آوینی ۵ است؛ مکانی که هرشب سخنرانی، مداحی و دورهمی بصیرتی هم در آن برگزار می شود. حجت الاسلام والمسلمین حسن بهشتی نیک، مسئول پهنه شهید عصمتیان و مدیر مرکز رسیدگی به امور مساجد ناحیه شهید حجت الاسلام اصلانی، آرزوی کند این مبارزه بانابودی رژیم صهیونیستی و ترامپ جنایتکار به پایان برسد.

● هرگز عقب نشینی نمی کنیم

مجتبی شفیعی، عضو شورای اجتماعی محله شهید آوینی و یکی از مسئولان برگزاری تجمع خیابان شهید آوینی ۵، می گوید: از ابتدای جنگ تحمیلی رمضان توسط رژیم کودک کش اسرائیل و آمریکای جنایتکار، یک ستاد مردمی در محله تشکیل دادیم که بخشی از کار آن، سامان دهی راهپیمایی و تجمعات شبانه بود. ما هرشب همراه جمعیت از ابتدای خیابان سخاوت در محله ثامن تا خیابان شهید آوینی ۵ در این محله راهپیمایی می کنیم.

این فعال اجتماعی محله، هدف از برگزاری این اجتماع را حمایت از رزمندگان جبهه مقاومت و خون خواهی رهبر شهید قائد امت می داند و می گوید: مای خواهیم که دشمنان بدانند از این مسیر هرگز عقب نشینی نمی کنیم.

که فراخوان حضور مردم در خیابان اعلام شد، ما هرشب در این مکان دور هم جمع می شویم.

موسوی درباره خصوصیات مردم این منطقه می گوید: اهالی گلشهر ولایت مدار و پای کار اسلام و قرآن هستند. از همین محدوده بود که چندین هزار رزمنده مدافع حرم به مقابله با دشمن تکفیری رفت.

● کابوس بی پایان شود کابوس اسرائیل

یک ساعتی از تجمع اهالی مقابل مسجد ابوالفضل گذشته است که دسته پر جمعیت اهالی محله ثامن، از مسیر خیابان های سخاوت و شهید شفیعی به فلکه دوم می رسد. حجت الاسلام سید احمد موسوی، فعال فرهنگی و هیئتی محله ثامن، میکروفن را به دست می گیرد و شعری می خواند که ترجیع بندش این جمله است: «کابوس

سید محمد عطائی حدود ساعت ۱۹ به بعد، رفته رفته خیابان ها سروشکل تجمعات انقلابی پیدامی کنند. خانواده ها از هر طرف پرچم جمهوری اسلامی ایران را به دست گرفته اند و خودشان را به فلکه دوم گلشهر یا خیابان شهید آوینی ۵ می رسانند؛ جایی که در یک ماه گذشته، محل قرار هرشب مردم انقلابی بوده، میعادگاهی که در آن هم محلی ها همبستگی خودشان را با انقلاب اسلامی ایران به رخ دشمنان می کشند.

● یک وجب از خاکمان را هم نمی دهیم

مقابل مسجد ابوالفضل درست ابتدای شلوغ بازار گلشهر، عده ای از جوانان و نوجوانان زودتر از موعد به محل قرار آمده اند. سعیده سادات موسوی دوازده ساله یک ماه است که هرشب رأس ساعت ۸ خود را به فلکه دوم گلشهر می رساند و با پرچم ایران در دست در تجمع حضور دارد. او می گوید: می خواهیم به دشمنان این آب و خاک بگویم این فکر را از سرتان بیرون کنید که مایک و جب از خاکمان را به دست شما بدهیم.

فاطمه بحرآبادی پانزده ساله هم وظیفه خود می داند که به خاطر رهبر شهید و کشورش هرشب بی وقفه در خیابان حضور داشته باشد. او می گوید: برای کمک به رزمندگان کشور، حضور مادر خیابان الزامی است.

حجت الاسلام والمسلمین سید علی موسوی، از روحانیون فعال گلشهری مسجد جامع ابوالفضل، درباره حضور پرشور اهالی این محدوده در خیابان می گوید: از اولین شبی



«باشگاه ملکه» در محله پورسینا فضایی برای آموزش و هم نشینی مادران ایجاد کرده است

مهارت من در ارتباط با فرزندم



عیدگاه

و می افزاید: انتخاب مسجد محله، علاوه بر تسهیل دسترسی خانواده ها، زمینه شکل گیری ارتباطات پایدار محلی را نیز فراهم می کند. در چنین فضایی، مادران می توانند در کنار هم آموزش ببینند و حضور در جلسه مشاوره را تجربه کنند.

● تجربه بانوان و استقبال فراتر از انتظار

حاضران ویژگی مهم این کلاس ها را محدود نشدن آن به آموزش یک طرفه می دانند. جایی که فرصت گفت و گو با یکدیگر و انتقال تجربه های شخصی هم وجود دارد. نجمه... آبادی، از ساکنان محله پورسینا، از جمله بانوانی است که از نخستین جلسه در این برنامه حضور داشته و اکنون در چهارمین نشست نیز شرکت کرده است. او حضور در این جلسات را نخستین تجربه اش در کلاس های مشاوره می داند و معتقد است تأثیر آن را به سرعت در زندگی روزمره خود مشاهده کرده است.

او می گوید مباحث مطرح شده درباره ارتباط مؤثر با نوجوان و مدیریت هیجان، باعث بازنگری در برخی رفتارها و واکنش هایش شده و به بهبود رابطه با دختر ده ساله اش کمک کرده است.

● دسترسی راحت به آموزش تربیتی

ربابه ساغری، مسئول واحد خواهران حسینیه شهدا و از پیگیران اصلی برگزاری این جلسات، نیز از استقبال خوب بانوان محله

سحر نیکو عقیده ادقایی به آغاز جلسه باقی مانده است و فضای حسینیه شهدای محله پورسینا آرام آرام جان می گیرد. بیشتر بانوان زودتر از زمان مقرر در کلاس حاضر شده اند و در اتاقی دیگر، کودکان و نوجوانان بابازی های فکری و تمرکزی مشغول اند. خنده ها و هیجان بچه ها در کنار گفت و گوهای صمیمی مادران، حال و هوای متفاوتی به حسینیه داده است.

امروز چهارمین جلسه از طرح «باشگاه ملکه» برگزار می شود؛ برنامه ای که در هفته های گذشته با استقبال بانوان محله همراه بوده و حالا به یکی از قرارهای ثابت هفتگی آن ها تبدیل شده است.

● آموزش در کنار یکدیگر

طرح «باشگاه ملکه» با محوریت آموزش مهارت های ارتباطی و تربیتی و ویژه بانوان طراحی شده است؛ موضوعاتی مانند شیوه صحیح ارتباط با فرزند، مواجهه با چالش های دوران نوجوانی، مدیریت هیجان و کنترل خشم. مدیر فرهنگ سرای حجاب، با بیان این توضیحات ادامه می دهد: این فرهنگ سرا با رویکردی ایجابی در حوزه عفاف و حجاب فعالیت می کند و تمرکز اصلی آن بر دخترانی است که در سن انتخاب حجاب قرار دارند؛ یعنی گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال. بر همین اساس، پاتوق های مادر و دختری با محوریت مسجد و حسینیه در مناطق مختلف پیش بینی شده است تا آموزش در فضایی صمیمی، محلی و در دسترس انجام شود.

فائزه چشمه سنگی بر مسجد محور بودن این طرح تأکید می کند

خبر می دهد و می گوید: اطلاع رسانی برنامه از طریق کانال های محلی انجام شده و تعداد شرکت کنندگان از حدود پانزده نفر در جلسه نخست به نزدیک بیست نفر در جلسات اخیر رسیده است. او به شرایط خاص محله و ساکنان اشاره می کند و می افزاید: برای بسیاری از خانواده ها امکان استفاده از مشاوره های خصوصی به دلیل هزینه ها فراهم نیست و این برنامه فرصتی ارزشمند برای دسترسی به آموزش های تربیتی و روان شناختی به شمار می آید.

او همچنین تأکید می کند که بخش مربوط به کودکان، به صورت هدفمند طراحی شده است تا حضور آن ها نیز ثمرات آموزشی و تربیتی داشته باشد.

طرح «باشگاه ملکه» با ایجاد فضایی امن و در دسترس برای بانوان و فرزندانشان، نه تنها به ارتقای مهارت های فردی و خانوادگی کمک می کند، بلکه زمینه تقویت ارتباطات اجتماعی در محله را نیز فراهم می آورد. استقبال رو به افزایش شرکت کنندگان نشان می دهد چنین برنامه هایی، در صورت تداوم، می تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی خانواده ها ایفا کند.

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجاده، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

مراسم تودیع و معارفه شهردار منطقه ۵ برگزار شد

تداوم خدمتگزاری

عیدگاه



مدیریت قوی و جهادگونه شهردار سابق منطقه و ریل‌گذاری تیم کاری و فعالیت خوب کارکنان شهرداری منطقه ۵ است. حسن صالحی مفرد نیز بیان کرد: در مدت سه سال فعالیت در سمت شهردار منطقه ۵ همه سعی و تلاش خود را به کار بستم و دغدغه‌مندانه و شبانه‌روز پیگیر امور مردم و ساکنان محلات بودم. حسین اکران، سرپرست شهرداری منطقه ۵، نیز گفت: تلاش می‌کنم سرعت خدمتگزاری به مردم را مانند آنچه در این سه سال صورت گرفته است، تداوم بخشم و با ساکنان محلات، تعامل سازنده‌ای داشته باشم.

عطائی هفته‌گذشته، جلسه تودیع و معارفه شهردار منطقه ۵ با حضور سید ابراهیم علیزاده عضو شورای اسلامی شهر، پوریا محمدیان یزدی معاون عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد و جمعی از مدیران شهری برگزار شد. در این جلسه، ضمن قدردانی از زحمات حسن صالحی مفرد که به سمت شهردار منطقه ۸ منصوب شده، حسین اکران نیز به عنوان جانشین او سرپرست منطقه معرفی شد. محمدیان یزدی با اشاره به موفقیت‌های به دست آمده در منطقه ۵ گفت: همه این موفقیت‌ها مرهون



پس از گذشت یک ماه از پویش حضور در خیابان اهالی محلات مناطق ۵ و ۶ پرشورتر از قبل در اجتماعات حاضر می‌شوند

وقت خانه‌نشینی نیست

عطائی از تجاوز نیروهای صهیونی آمریکایی به خاکمان بیش از یک ماه گذشته است. در این مدت، خبرهای ناگوار کم نبوده اما از طرفی، حضور پرشور مردم در خیابان‌ها برای دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و خون‌خواهی رهبر شهید، نقطه امید و دلگرمی برای سرباز وطن و همه ایرانیان شده است. مردم محلات منطقه ۵ و ۶ هم مانند دیگر شهروندان این آب و خاک وقت می‌گذارند، به خیابان می‌آیند و با حضورشان نقشه‌های شوم متجاوزان را نقش بر آب می‌کنند.



در شب ۱۳ فروردین، رویداد خاص محله مهدی‌آباد با همراهی و همدلی و حضور همه افراد فعال مساجد محله رقم خورد. طیبیه زینعلیان، یکی از شرکت‌کنندگان برنامه، می‌گوید: در این شب ویژه، همگی فعالان از محدوده عباس‌آباد و سراسر محله مهدی‌آباد به سمت روستای فرخ‌آباد راهپیمایی کردند. در پایان این راهپیمایی باشکوه، مسجد امام حسن مجتبی^(ع) فرخ‌آباد برای پذیرایی میزبان شد.



تجمع فلکه دوم گلشهر، هر شب با حضور پرجمعیت اهالی محله ثامن پرشورتر می‌شود. اهالی از خیابان شهید آرمون ۲۲ و از طریق خیابان سخاوت، خود را به تجمع فلکه دوم می‌رسانند. زهرا رحیم‌دادی، بانوی ساکن محله ثامن و حاضر در این اجتماع، می‌گوید: گلشهر هر شب شاهد حضور پر شکوه و انقلابی اهالی محله ثامن در راهپیمایی و تجمع باشکوه است. ما با حضور در این برنامه ایمان و اراده پولادین خودمان را به دشمنان نشان می‌دهیم.



اهالی محله آقامصطفی خمینی و کوی عمار یاسر، کوی سادات و شهرک سازمانی نیروی هوایی هر شب در میدان پدافند هوایی حاضر می‌شوند و اجتماع پرشوری دارند. زهرا ظهیری، یکی از فعالان این اجتماع، می‌گوید: اهالی با همکاری و همدلی یکدیگر شب‌هایی به یادماندنی در محله رقم می‌زنند. مادر نقطه‌ای جمع می‌شویم که هر لحظه امکان دارد مورد حمله دشمن قرار بگیرد اما با این کار قصد داریم قوت قلبی برای نیروهای نظامی باشیم.